



شماره دادنامه: ۴۸۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۲۵ و ۱۲ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه

الف - شعبه ۲۵ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۶۶/۸۴ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت مرکز امور مشاوران حقوقی و کلا و کارشناسان قوه قضاییه به خواسته اعتراض به رد صلاحیت وی جهت دریافت پروانه و کالت به شرح دادنامه شماره ۱۲۳۶ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، طبق ماده (۲) آیین نامه اجرایی ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه تصمیمات هیأت اجرایی از جمله در مورد تشخیص صلاحیت علمی و عمومی داوطلبان قطعی و قابل اعتراض در مراجع قضایی نمی باشد بر این پایه با وصف اعتبار آیین نامه مزبور و عدم ابطال آن از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شکایت شاکی در وصیت موجود قابلیت طرح در شعبه دیوان را ندارد و رد می گردد.

ب - شعبه ۱۸ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۱۵۴/۸۳ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت هیأت اجرایی مشاوران حقوقی و کالت قوه قضاییه به خواسته ابطال تصمیم هیأت اجرایی مشاوران حقوقی و کالت مبنی بر رد صلاحیت و صدور پروانه مشاوره حقوقی و و کالت به شرح دادنامه شماره ۲۳۹۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲ چنین رأی صادر نموده است، حسب نظر به تفسیری شورای نگهبان و اصل (۱۷۳) قانون اساسی فقط دستورالعمل ها و بخشنامه های ریاست محترم قوه قضاییه قابلیت رسیدگی در دیوان نداشته و این موضوع تسری به سایر واحدهای قوه قضاییه نداشته علیهذا قرار رد ایراد مطروحه صادر و اعلام می گردد. در مورد شکایت شاکی نظر به این که اولاً حسب آگهی منتشره در روزنامه اطلاعات شاکی پذیرفته شده آزمون مشاوره حقوقی موضوع ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه بوده و بازنشسته دادگستری بوده ثانیاً حسب مدارک

تقدیمی سابقه سوء کیفری نداشته و نتیجه آزمایشات تست اعتیاد وی منفی بوده و ثالثاً حسب دانشنامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی دارای مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته حقوق قضایی بوده رابعاً حسب گواهی امور اداری دادگستری استان اردبیل از نحوه خدمت وی اعلام رضایت گردیده خامساً حسب گواهی های قضات محاکم عمومی اردبیل نیز از نحوه عملکرد شاکی اعلام رضایت گردیده سادساً شاکی دارای کلیه شرایط مندرج در ماده (۳) آیین نامه اجرایی ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم بوده و بازنشسته دادگستری بوده است. سابقاً، دستگاه طرف شکایت هیچ گونه استدلالی در مورد عدم صلاحیت شاکی جهت اخذ پروانه ننموده و ادله ای اعلام و ارسال نکرده است، علیهذا حکم به ورود شکایت و الزام مرکز امور مشاوران طرف شکایت به صدور پروانه مشاوره حقوقی و و کالت پایه ۲ برای شاکی صادر و اعلام می گردد.

ج - شعبه ۱۲ تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۹۱/۸۵ موضوع تجدیدنظر خواهی (مرکز امور مشاوران حقوقی و و کلا، و کارشناسان قوه قضاییه) نسبت به دادنامه شماره ۲۳۹۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲ به شرح دادنامه شماره ۶۴۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۵ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به محتویات پرونده نظر به این که از طرف تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید مشهود نیست بنابراین با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رای هیأت عمومی

قانونگذار به شرح ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق اهداف مندرج در این ماده به

قوه قضاییه اجازه داده است تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاور حقوقی به موجب آیین نامه ای که به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد اقدام نماید و تشخیص صلاحیت افراد داوطلب و صدور مجوز کارآموزی مشاوره حقوقی، و کالت و کارشناسی و تعیین حوزه های قضایی محل خدمت آنان و اعطای پروانه های مشاوره حقوقی و وکالت پایه یک و دو و پروانه کارشناسی و تأیید صلاحیت پس از بررسی توسط مرکز به هیأت مقرر در ماده (۲) آیین نامه اجرایی قانون مذکور محول شده که تصمیم و رأی اکثریت اعضا، هیأت مزبور در امور فوق الذکر واجد ماهیت اداری است که به حکم ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به اعتراض نسبت به آن در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد بنابراین دادنامه شماره ۲۳۹۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲ شعبه هجده بدوی دیوان که به موجب دادنامه شماره ۶۴۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۵ شعبه دوازدهم تجدیدنظر دیوان تأیید شده و قطعیت یافته در حدی که متضمن اعلام صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به این قبیل شکایات است صحیح و موافق قانون می باشد. این رأی به استناد بند "۳" ماده (۱۹) و ماده (۴۳) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبر پور

شماره دادنامه: ۵۱۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره

از شعب ۱۷، ۱۵، ۱۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه

الف - شعبه هفتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه های ۲۵۰۷/۸۵ و ۲۵۶۹/۸۵ موضوع شکایت آقایان ۱- (س.ب) و ۲- (ج.ک) به طرفیت تأمین اجتماعی - امور بازنشستگی به خواسته صدور حکم بازنشستگی به جهت اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور به شرح دادنامه های شماره ۹۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۷ و ۹۲۶ مورخ ۱۳۸۶/۵/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات مدیر کل تأمین اجتماعی استان خوزستان مبنی بر این که شاکی مستخدم رسمی شرکت دولتی و از جهت بازنشستگی مشمول قانون خاص می باشد و از شمول مقررات تأمین اجتماعی خارج بوده و بازنشستگی به جهت اشتغال به مشاغل سخت و زیان آور در خصوص افرادی است که مشمول مقررات قانون کار می باشد و به لحاظ این که در اقدام سازمان و عدم انجام خواسته شاکی تخلف از مقررات و موازین قانونی احراز نگردید بنابراین حکم به رد شکایت صادر و اعلام می نماید.

ب - شعبه هجدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۹۱/۸۵ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی خوزستان به خواسته برقراری مستمری بازنشستگی بیش از موعد در کارهای سخت و زیان آور به شرح دادنامه شماره ۴۰۳۰ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که حسب سابقه واصله شاکی مشمول مقررات بیمه تأمین اجتماعی

است و به موجب بند "۲" ماده (۷۹) قانون تأمین اجتماعی مستخدمین شرکت های دولتی که مشمول قانون بیمه های اجتماعی هستند، مشمول مقررات این قانون خواهند شد. از طرفی مطابق نظریه های کمیته استانی مشاغل شاکی در تولید شکر از نیشکر در شرکت کشت و صنعت کارون و فعالیت در شرکت نیشکر هفت تپه جمعاً بیش از ۲۵ سال جزء مشاغل سخت و زیان آور تلقی و اظهار نظر شده است و مندرجات لایحه جوابیه سازمان تأمین اجتماعی خوزستان مبنی بر این که با بررسی به عمل آمده از سوابق موجود بیمه شده نزد سازمان، شاکی دارای ۲۵ سال متناوب سابقه پرداخت حق بیمه اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور می باشد و با توجه به این که مطابق تبصره ذیل ماده (۴) قانون استخدام کشوری و ماده (۳) قانون مقررات استخدامی شرکت های دولتی اشخاصی که طبق قانون کار در وزارتخانه و شرکت های دولتی به مشاغل کاری اشتغال دارند مشمول قانون کار می باشند و بالتفات به برقراری مستمری بازنشستگی عده ای از همکاران شاکی در وضعیت مشابه از طریق سازمان تأمین اجتماعی در مشاغل سخت و زیان آور و فلذا با وارد دانستن شکایت شاکی حکم به الزام سازمان طرف شکایت به برقراری مستمری بازنشستگی براساس مشاغل سخت و زیان آور وفق مقررات و ضوابط مربوطه و سابقه شاکی صادر و اعلام می گردد.

ج - شعبه ۱۵ دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۳۹۷/۸۵ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته برقراری مستمری بازنشستگی بر مبنای مشاغل سخت و زیان آور و به شرح دادنامه شماره ۱۷۵ مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۰ چنین رأی صادر نموده است، شاکی با استناد به قانون اصلاح تبصره "۲" ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی ادعای احراز ۲۵ سال متناوب اشتغال در مشاغل سخت و زیان آور و خواستار برقراری مستمری بازنشستگی بر مبنای مشاغل سخت و زیان آور می باشد در حالی که شرکت کشت صنعت نیشکر هفت تپه، شرکتی دولتی است و بازنشستگی کارکنان رسمی و ثبت شرکت های دولتی به لحاظ استخدامی مشمول مقررات استخدامی شرکت های دولتی و به لحاظ بیمه مشمول مقررات تأمین اجتماعی هستند، تابع قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸ می باشند. طبعاً برقراری مستمری بازنشستگی شاکی بر مبنای مشاغل سخت و زیان آور امکان پذیر نمی باشد، علیهذا و به دلایل فوق الاشعار به ویژه مطابق تبصره "۲" ذیل ماده (۴) قانون استخدام کشوری و ماده (۳) قانون مقررات استخدامی شرکت های دولتی، اشخاصی که طبق قانون کار در وزارتخانه و شرکت های دولتی به مشاغل کاری اشتغال دارند، مشمول قانون کار می باشند.

با عنایت به برقراری مستمری بازنشستگی بر مبنای مشاغل سخت و زیان آور مستنداً به تبصره "۲" ماده (۷۶) شکایت وارد تشخیص رأی به ورود شکایت دائر بر الزام مشتکی عنه به برقراری مستمری بازنشستگی شاکی بر مبنای مشاغل سخت و زیان آور صادر و اعلام می گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز به نظر می‌رسد.

ب - احکام استخدامی کلیه شاکیان که در باب افزایش سنواتی و تغییر ضریب جدول حقوق موضوع ماده (۳۳) لایحه قانونی استخدامی کشوری صادر شده مبین شمول قانون استخدامی کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت در امور استخدامی آنان است و مجرد پرداخت حق بیمه بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی الزاماً مفید تبعیت پرداخت کننده حق بیمه مذکور از قوانین و مقررات مربوط به کارگران نیست. نظر به این که سیاق عبارات تبصره "۲" اصلاحی ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰ با استفاده از واژه‌های کارگر و کارفرما و کارگاه مبین حصر تسری حکم مقنن به مشمولین قانون کار است. بنابراین دادنامه شماره ۹۱۰ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۷ شعبه هفدهم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکی به خواسته بازنشستگی به ادعای اشتغال به کارهای سخت و زیان آور براساس مقررات خاص مشمولین قانون کار صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند "۲" ماده (۱۹) و ماده (۴۳) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذریبط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - رهبرپور

شماره دادنامه: ۵۵۵

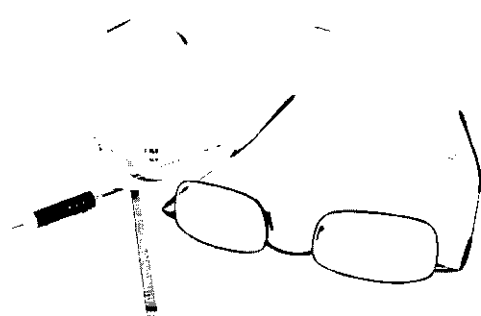
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب

دوازدهم و سیزدهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

مقدمه

الف - شعبه سیزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۰۳/۸۵ موضوع شکایت خانم... به طرفیت اداره راه و ترابری کهگیلویه و بویراحمد به خواسته صدور رأی مبنی بر تبدیل وضع استخدامی اینجانب از خرید خدمت به پیمانی به شرح دادنامه شماره ۸۴۶ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به این که شاکیه از سال ۱۳۷۲/۱۰/۹ با مدرک لیسانس در اداره کل اشتغال به کار نموده و تا حال نیز همکاری وی ادامه داره متبوعه نیز طی نامه شماره ۲۰۷۴/۲۳ مورخ ۱۳۷۶/۲/۲۰ لیست نیروهای دارای تحصیلات دانشگاهی را جهت استخدام رسمی یا پیمانی درخواست نموده و نهایتاً اداره کل امور کارکنان طی نامه شماره ۲۲۸۸۲ مورخ ۱۳۷۶/۷/۴ نامبرده را به هسته گزینش معرفی و از ناحیه هسته گزینش وزارت راه و ترابری و ترابری، استخدام پیمانی خانم... بلامانع



اعلام گردیده و سازمان امور اداری و استخدامی کشور طی نامه شماره ۱۹/۲۷۳۳/۴۳ مورخ ۱۳۷۷/۸/۲ با تبدیل پست سازمانی شماره ۲۸ تحت عنوان کارشناس آموزش و ارزشیابی از موقت به ثابت جهت تخصیص به شاکیه موافقت نموده است. فلذا نامبرده واجد شرایط تصدی پست پیشنهادی گردیده و با طی مراحل اداری فوق‌اداری حقوق مکتسبه‌ای گردیده است که عدم صدور حکم پیمانی موجب تضییع حقوق مکتسبه می‌باشد و از طرفی استناد سازمان امور اداری و استخدامی دفتر تشکیلات زیربنایی به مواد (۱۳) و (۱۶) قانون استخدام کشوری منصرف از موضوع مطروحه بوده چرا که در مواد مارالذکر برای خدمت رسمی دولت استخدام اشخاص از طریق امتحان یا مسابقه صورت می‌گیرد. بنابراین شکایت شاکیه وارد و موجه تشخیص و حکم به ورود شکایت و الزام اداره طرف شکایت به تبدیل وضعیت استخدامی مشارالیه‌ها از خرید خدمت به پیمانی صادر و اعلام می‌گردد.

ب - شعبه دوازدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۰۸/۸۶ موضوع شکایت خانم... به طرفیت اداره کل راه و ترابری استان کهگیلویه و بویراحمد به خواسته صدور رأی مبنی بر تبدیل وضع استخدامی از خرید خدمت به پیمانی به شرح دادنامه شماره ۴۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به این که اداره خواننده در جوابیه ارسالی خود اعلام کرده است جذب و بکارگیری نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی براساس مواد (۱۳) و (۱۶) قانون استخدام کشوری از طریق آگهی و شرکت در آزمون استخدامی صورت می‌گیرد و شاکیه نیز در صورت دارابودن شرایط در آزمون استخدامی شرکت که در صورت قبولی به صورت رسمی و یا پیمانی استخدام خواهد شد و شاکیه نیز مجوز قانونی برای استخدام ارائه نموده است و با توجه به مراتب شکایت شاکیه غیروارد تشخیص علیهذا حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادستان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء، به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز به نظر می‌رسد.

ب - به تجویز ماده (۱) تصویب‌نامه چگونگی تبدیل وضعیت استخدامی مستخدمات خرید خدمت به پیمانی مصوب ۱۳۷۸ هیأت وزیران آن دسته از دستگاه‌های دولتی که براساس تصویب‌نامه شماره ۱۷۵۹۸ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۳ و سایر عایت ضوابط از خدمات کارکنان خرید خدمت استفاده می‌کنند و به خدمت ایشان نیاز دارند، مکلفند ظرف شش ماه وضعیت خدمتی این قبیل کارکنان را به پیمانی یا عناوین مشابه دیگری که در قوانین مربوط وجود دارد تغییر دهند. با توجه به این که حسب محتویات پرونده‌های فوق‌الذکر دادخواهان واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه پیش گفته بوده‌اند، بنابراین دادنامه شماره ۸۴۶ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۷ شعبه سیزدهم صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند "۲" ماده (۱۹) و ماده (۴۳) قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذریبط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی